

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۱۵
تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۱۸

فصل نامه علمی - تخصصی عصر آدینه
سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۴

فضای ظهور منجی موعود در عرصه شعر فارسی

منصور نیک پناه*

چکیده

شعر، بازتاب و عصاره عقیدتی و فرهنگی یک جامعه است. شعرا در سروده‌هایشان بر مواردی تأکید دارند که مکنونات قلبی یا انتظارات و آرزوهای آن‌ها را دربر می‌گیرد. ظهور مصلح جهانی به عنوان یک آرمان و وعده الهی همواره مد نظر شعرا و عرفا قرار گرفته است و در این میان تمایزی بین فرق مختلف، مذاهب مختلف و ممالک مختلف دیده نمی‌شود. البته این مورد در دوره‌های مختلف نوسان دارد و در عین حال در بین طبقات مختلف سرایندگان زبان فارسی از قبیل شاعران درباری و آیینی این تفاوت قابل رصد است، تا جایی که بخش درخور توجهی از شعر شاعران مذهبی را در قالب شعر انتظار یا غیبت می‌توان منفک کرد و مجموعه‌ای کامل فراهم ساخت. نویسنده در این مجال بر آن است که با سیری کلی فضای سروده‌های مهدوی و ویژگی‌های آن‌ها را به تحریر درآورد.

واژگان کلیدی

شعر فارسی، منجی، موعود، حضرت مهدی (عج).

اسلام با توجه به این که دین تعقل و تفکر و علم و دانش است و از طرف دیگر طرفدار آزادی بیان و عقیده است، دارای شقوق و فرق متعددی شده که در هیچ یک از ادیان دیگر چنین رویکردی را نمی توان دید. این نیست، مگر به دلیل آزادی اندیشه و در عین حال، اهمیتی که اسلام نسبت به سایر ادیان، برای تفکر قائل است. از این رو، سه هزار و پانصد فرقه مذهبی را در بین مسلمانان بر شمرده اند که در میان همه آن ها ظهور منجی با شاخصه های حضرت مهدی علیه السلام با اشتراک اسم و لقب ذکر شده است؛ یعنی تفاوت مذهب در بین فرق اسلامی تفاوتی در اصل ظهور ایجاد نکرده است و این بیان گران است که همچنان که فرق اسلامی از یک مشرب مشترک بهره مند شده اند، از مقصدی مشترک نیز برخوردارند.

بازتاب تصویر دوران رسالت امام عصر در شعر فارسی شامل مبارزه بنیادی و فراگیر با بیداد و بیدادگران در عرصه جهانی، رویارویی تمام عیار با کفر جهانی و ایادی آن، برقراری نظام قسط و عدل واقعی در گستره جهان، تحقق جهان شمولی دین مقدس اسلام و احیای ارزش های دینی، برقراری حکومت جهانی اسلام و حاکمیت فرهنگ اصیل اسلامی و رسوایی داعیه داران دروغین مهدویت و تبیین زشتی و پلیدی دجلان است. شعرای فارسی علاوه بر ترسیم تصویر جهان مصادف با ظهور، به شکوه و عظمت و جاذبه جهان آرام و سرتاپا عدل امام عصر اشاره کرده و لذت آن دوران را با ذره ذره وجود خود حس نموده اند و از یادآوری آن دوران، سرخوشی و امید را به جمع مخاطبان خود ارمغان بخشیده اند.

این درون مایه غنی شعری تا جایی سایه برکتش را بردامنه وسیع ادب فارسی می گستراند که مضمونی خاص موسم به شعر غیبت و انتظار را ایجاد می کند. این محتوا در دوران معاصر، صبغه ای پررنگ در شعر دارد و مشتاقان و علاقه مندان پرشماری اعم از سرایندگان و مخاطبان را با خود همراه کرده است. از لحاظ محتوایی و درونی در قالب اشعار توصیفی و مناقبی، غیبت، انتظار، ظهور، توسل و نیایش... را عرضه می دارند.

در شعر غیبت، با موضوعاتی شامل فلسفه و آثار غیبت امام زمان علیه السلام، اقامه براهین عقلی و نقلی درباره طول عمر، پیدایی و ناپیدایی، حالات و نحوه ارتباط، وظایف

مسلمانان در ایام غیبت و حالات شیفتگان آن حضرت در زمانه غیبت روبه‌روه‌هستیم. شعرانتظار از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های شعر مهدوی در زبان فارسی است. شور و حالی در شعرانتظار موج می‌زند که روایت‌گر انقلاب درونی شاعران مسلمان است. ردیف زیبای «بیا» در سروده‌های شعرا بیان‌گر شور و اشتیاق آن‌ها برای تجلی و ظهور حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام است. این ردیف شعری، مشکل شاعران آیینی را برای تبیین ابعاد انتظار، برطرف می‌سازد.

دجالیان به فتنه و غوغا برآمدند مهد جلال مهدی دشمن فکن بیا
(ابن حسام، ۱۳۶۶: ۲۳۲)

درون‌مایه غنی دیگر که در شعر مهدوی قابل رؤیت است، شعر دیدار با مضامینی از قبیل توسل و نیایش است. نیاز و تمنا در این نوع از شعر مهدوی، موج می‌زند و شاعر آیینی با برقراری ارتباطی باطنی با آن کانون نور و روشنی، رهایی خود را از چنگ ظلمت‌های درونی و بیرونی آرزو می‌کند. شعر دیدار نیز خاص آن کسانی است که در عالم بیداری به فیض دیدار جمال جمیل مهدوی نایل آمده‌اند و همچنین رباعی، مثنوی، دوبیتی، قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط، سرود و شعر آزاد از قالب‌های مرسوم مورد استفاده شاعران است.

از دیرباز، ذکر حضرت در شعر سراینندگان فارسی‌زبان به چشم می‌خورد؛ اگرچه در دوره‌های ابتدایی و آغازین وجه اعتقادی کمتر لحاظ می‌شود و بیشتر نماد ارزشمند و معتبر برای قیاس ممدوحان با مقام جلی حضرت است و در عین حال، اکثر سراینندگان سنی مذهب هستند. افرادی همچون حسن بصری، ابوالفرج رونی و قطران تبریزی از همان آغاز در سروده‌هایشان از امام عصر علیه‌السلام یاد می‌کنند. اما انوری با گلایه از اوضاع روزگار خویش، آرزوی ظهور آن حضرت را دارد. خاقانی از جهت بسامد، نام امام را بیشتر تکرار می‌کند. از نظر این شاعر، امام سمبل عدالت و ستیز با گمراهی گمراهانی از قبیل دجال است، گرچه در نهایت، محور یادکرد این شاعر نیز به رخ کشیدن هنر ممدوح است. نظامی در ستایش ملک مظفر قزل‌ارسلان، نام امام را در شعرش می‌گنجاند. خواجوی کرمانی نیز در *همای و همایون* در ذکر ممدوح، نام حضرت را می‌برد.

شاعران آیینی توجه عمیق‌تر و اعتقادی‌تری به حضرت مهدی علیه‌السلام داشته و با ژرفای

درون به راز و نیاز می‌کردند.

سنایی غزنوی (م ۵۴۵ق) شاعر و عارف پرآوازه اهل سنت، در قصیده‌ای دردناک که درباره انقلاب حال مردم و تغییر دور زمان سروده، از غیبت حضرت مهدی علیه السلام با حسرت بسیار می‌کند و از این که در جهانی پر از دجالان عالم سوز حضور دارد، گلایه مند است. مطلع شعری چنین است:

ای مسلمانان، خلاق حال دیگر کرده‌اند از سرب‌ی حرمتی، معروف، منکر کرده‌اند
(سنایی غزنوی، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

این راز و نیاز دردمندانه در قصاید و مقطعات دیگری نیز قابل دیده می‌شود. خاقانی هم از سرودن اشعار آیینی درباره حضرت بی بهره نیست. در قصیده «منطق الطیر» به این مورد توجه نشان داده شده است. عطار بارها به ذکر امام، کلامش را متحلی می‌سازد. تنها نکته‌ای که در سخن عطار علی حده محسوب می‌شود، یکی دانستن امام عصر علیه السلام با حضرت عیسی علیه السلام است. نکته جالب در کلام عطار، عقیده به عصمت امام همام است که با عنایت به سنی بودن شاعر، ارزش بالایی دارد:

ای گوهر کان فضل و دریای علوم وز رأی تو دُر درج گردون منظوم
بر هفت فلک ندید و در هشت بهشت نه چرخ چو تو پیش‌روده معصوم
(عطار نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰)

در دیوان خواجوی کرمانی ترکیب بندی در هفده بند با نام «فی نعت الانبیاء و مناقب الائمة الاثنی عشر علیهم السلام» وجود دارد که بند شانزدهم آن به مهدی موعود علیه السلام تعلق گرفته است. ابن‌یمین فریومدی دو قصیده غزا در وصف حضرت دارد.

اما شاعری که ذکرش در این مقام ضروری است، ابن حسام خوسفی است که بارها به ذکر حضرت پرداخته و همچون سنایی از فساد و آشفتگی روزگار گلایه مند است و آرزوی قیام امام عصر علیه السلام را دارد:

مرحبا ای مهدی آخر زمان آشکارا باش، پنهان تا به کی؟
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۲۶)

ابن حسام خوسفی سروده‌های فراوانی در ذکر حضرت دارد؛ از جمله سه ترکیب‌بند مناقبی در ستایش حضرت ولی عصر علیه السلام که در پیشینه شعر مهدوی در زبان فارسی

بی سابقه است: الف) مناقب هفت رنگ با ردیف قرار دادن رنگ های سپید، سرخ، زرد، سبز، کبود، بنفش و سیاه؛ ب) مناقب هفت معدن با ردیف قرار دادن گوهر، لعل، یاقوت، عقیق، پیروزه، مروارید و مرجان؛ ج) مناقب هفت گل با ردیف قرار دادن نرگس، لاله، گل، نیلوفر، سنبل، سمن و سوسن. ابن حسام با ردیف ساختن هریک از این رنگ ها و سنگ های قیمتی و گل ها، دست به کاری کارستان در شعر مهدوی زده و به خوبی از عهده آن برآمده است.

شاه قاسم، انوار بشارت ظهور امام را در شعرش آورده است و بابا فغانی نیز شعر مناقبی در وصف آن پیشگاه دارد. وی در ترکیب بند معروف خود در بند ششم به اوصاف حضرت می پردازد.

اهلی شیرازی (م ۹۴۲ ق) در بسیاری از اشعار مناقبی خود، از مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه یاد می کند و با عرض ارادت بی شائبه، میزان ارادت قلبی خود را به آن وجود نازنین ابراز می دارد:

ای جان همه جان ها، روح القدسی گویا
پنهان ز نظر اما، در دیده جان پیدا
در مکه و در یثرب، شاهنشاه ذوموکب
در مشرق و در مغرب، خورشید جهان آرا
عیسای فلک رتبت، موسای ملک همت
دانا به همه حکمت، در علم نظربینا
هم مهدی وهم حارث، بی ثانی و بی ثالث
در علم نبی وارث، عالم به همه اشیا
ای در همه جا معروف، از خلق و کرم موصوف
مهدی صفتی موقوف، از غیب برون فرما

(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۴۲۱)

سروده های این شاعر در یادکرد امام پر شمار است، به ویژه ترکیب پانزده بیتی. طالب آملی (م ۱۰۳۶ ق) ملقب به «ملک الشعراء» در قصیده گلایه آمیز خود با خطاب

قرار دادن حضرت ولی عصر علیه السلام از نابسامانی‌هایی که دامن‌گیر امت اسلامی شده سخن می‌گوید:

طبعم کند در آتش معنی، سمندری وان‌گه فشاند از پروبال، آب کوثری
(طالب آملی، بی‌تا: ۱۰۷)

آثار ملامحسن فیض کاشانی - که سرشار از سروده‌های دل‌انگیز در وصف امام عصر است - در قصیده‌آیینی ضمن به تصویر کشیدن آلامی که از مردم زمانه خود دیده، راز کامیابی خویش را چنین بیان می‌کند:

بر عشق، هزار آفرین فیض کزد دولت او، به حق رسیدم
(فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۳۸۰)

ملا محمد رفیع واعظ قزوینی - شاعر سبک هندی - از ارادتمندان مصلح آخر زمان است. وی چنین می‌سراید:

شد ز انتظار صاحب ما، چشم ما سفید ما را به درد دوری آن مقتدا ببخش
(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۲۶۹)

شیخ محمد علی حزین لاهیجی (م ۱۱۸۱ ق) قصاید مهدوی پرشوری در سبک اصفهانی دارد که از مضامین بکرونازک خیالی‌ها سرشار است:

مهدی بگو و از شرف نام نامی‌اش طغرای فخر، بر ورق آفتاب کش
(حزین لاهیجی، ۱۳۷۴: ۶۲۸)

حضرت امام خمینی علیه السلام انقلاب اسلامی ایران را مقدمه نهضت جهانی امام عصر علیه السلام می‌داند:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (خمینی، ۱۳۷۱: ج ۲۱، ۱۰۸)

با احیای فرهنگ مهدویت، شعر پارسی نیز جانی تازه یافت و حلاوتی و حرارتی نودر آن دمیده شد و شاعران باشعور ایران زمین، در ابعاد مختلف به نشر و ترویج فرهنگ با عظمت مهدویت پرداختند. بسیاری از شعرای بنام معاصر نیز که برخی هنوز در قید

حیات‌اند، آثاری گران سنگ در زمینه شعر مناقبی دارند که برای نمونه می‌توان از محمود شاه‌رخ (جذبه)، عباس کی‌منش (مشفق کاشانی)، حمید سبزواری، علی معلم، سید علی موسوی گرمارودی، قیصر امین‌پور، سید حسن حسینی، نصرالله مردانی، علی‌رضا قزوه، حسین آهی، خسرو احتشامی، غلامحسین جواهری (وجدی)، عبدالجبار کاکایی، قادر طهماسبی (فرید)، محمدجواد محبت، عباس براتی‌پور، حسین اسرافیلی، سیمین دخت وحیدی، محمدجواد غفورزاده (شفق)، علی انسانی، سیدرضا مؤید و غلامرضا سازگار نام برد.

در این دوره، شعرای فارسی را به دو دسته تقسیم می‌کنیم که شعر مهدوی را در آثار هر دو دسته می‌توان ملاحظه کرد: ۱. شاعران درباری، ۲. شاعران آیینی.

یکم. شاعران درباری

شاعران درباری به آن دسته از شعرایی اطلاق می‌گردد که ارتزاق آن‌ها از طریق شعر است و در واقع با تعریف و تمجید از ممدوح که همانا حاکم یا از درباریان بانفوذ و دارای مکنّت و ثروت است پاداش دریافت می‌کنند. از این رو هم و غم چنین شعرایی، چاپلوسی و برشمردن اوصافی است که ممدوح را به ذوق آورد و این انبساط خاطر و خوش آمدن درونی او را به گشاده‌دستی سوق دهد. با این حال، در حین بیان فضایل ممدوح به حق یا ناحق، ذکر حضرت مهدی را به عنوان نماد عدالت، کفرستیزی، مبدع نظم نوین، دجال‌ستیز و... آن هم برای قیاس با ممدوح و به رخ کشاندن اوصافش مطرح کرده‌اند؛ به گونه‌ای که عنصری در وصف سلطان غزنوی می‌سراید:

سیاست توبه‌گیتی، علامت مهدی ست کجا سیاست تو، نیست فتنه دجال
(عنصری بلخی، ۱۳۴۲: ۱۶۷)

عنصری در ستایش امیر ابوالمظفر نصر فرزند ناصرالدین سبکتکین می‌گوید:

یکی گوید که مهدی گشت پیدا یکی گوید: نبی، الله اکبر

(همو: ۴۰)

ابومنصور قطران تبریزی ملقب به امام الشعراء (م ۴۶۶ ق) به مناسبت زلزله شهر تبریز، ویرانی‌های ناشی از این بلای طبیعی را به تصویر کشیده و فتنه دجال را فراگیر دیده است:

همی به دیده بدیدم چوروزرستاخیز زپیش، رایت مهدی وفتنه دجال
(قطران تبریزی، بی تا: ۲۰۷)

سروده های دیگر شاعران درباری نیز از همین دست است.

دوم. مهدویت در شعر آیینی

حضرت مهدی علیه السلام در اشعار مناقبی شعرای آیینی، دارای حضوری گسترده است؛ حضوری که در قسمت اعظمی از شعر آیینی جریان دارد و مسائلی مانند غیبت، ظهور، فرج، انتظار و یاران آن حضرت در زمانه غیبت، در شعر مهدوی مطرح است. در این قسمت می توان از سروده های شاعرانی همچون سنایی، عطار، حافظ، خواجه و... که تمامی آن ها از مشاهیر ادب فارسی و سنی مذهب هستند، نمونه هایی را شاهد آورد. از دوره سبک هندی به بعد به ویژه شعر معاصر، رویکرد شاعران آیینی به موضوع غیبت و ظهور، به روی مشتاقان منجی عدالت گستر باز شده است.

دلایل شوق و دلدادگی

شاعران در سرایش شعر مهدوی به یک سری چشم اندازهای دلکش نظر داشته اند که هر لحظه نویدبخش روح جست و جوگر آن ها است که باعث رونق هرچه بیشتر این درون مایه شده است؛ از جمله:

۱. آرزوی عدالت گستری

تنگنای خفقاگونه جهان، شاعران را بر آن داشته که آرزوی ظهور منجی عدالت گستر را همواره در قلب و جان شان مزمزه کنند و در کلام سرایندگان، نماد واقعی عدالت، دوران امام عصر است.

بلقیس بانوان و سلیمان شه، اخستان کز عدل و دین مبشر مهدی، زمان اوست
(خاقانی، ۱۳۴۴: ۷۷)

یا الهی! مهدی ای از غیبت آر تا جهان عدل گردد آشکار
(عطار نیشابوری، ۱۳۴۵: ۷)

۲. جهان تازه

امید به برپایی جهانی با جلوه های پررنگ و ساختار دینی و دمیدن هوایی تازه در

جهان کلام شاعران را معطوف خود نموده است.

ماناکه بهر تاختن مرکبان عقل مهدی به عالم آمد و میدان تازه کرد
(خاقانی، ۱۳۴۴: ۱۱۱)

۳. دجال سوز

ظهور امام عصر در دورانی است که ظلم و ستم روبه افول و نزول می‌گذارد و ظالمان و فاسدان راهی دیار گمنامی و عدم می‌گردند:
به تأیید مهدی خصلتی که تیغش روان سوز دجال طغیان نماید!
(همو: ۱۳۸)

۴. مغرب نشین است

از دیدگاه شاعران ایرانی، حضرت در سرزمین مغرب نزول فرموده است؛ زیرا مغرب را محل غروب، یعنی پنهان شدن خورشید می‌دانستند. لذا از دیدگاه نظامی - شاعر اهل سنت - حضرت خورشیدی است که از نظرها غایب شده است:
چو مهدی گرچه شد مغرب و ثاقش گذشت از سرحد مشرق، یتاقش
(نظامی گنجوی، بی‌تا: ۲۵)

۵. منجی است

ظهور حضرت باعث رهایی هر آدم در بند است:
از آن عهده که در سردارد این عهد بدین مهدی، توان رستن ازین مهد
اگر توفان بادی سهمناک است سلیمانی چنین دارد، چه باک است؟
(همو: ۲۸)

این بیت همچون سروده سعدی در وصف پیامبر است:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوع کشتیبان

(سعدی، ۱۳۸۲: ۳۲)

۶. غیبتش معجزه است

همچنان که ظهور امام تحول و شگفتی بزرگی قلمداد می‌شود، غیبتش نیز معجزه

است و حکمت الهی برشمرده می‌شود:

گه مهدی آرد در جهان، پنهان کند او را چو جان

از دیده نامحرمان، ما العشق الا معجزه!

(فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۴۱۳)

۷. روشنگر دین است

امام عصر دین اسلام را از ابهام و آلودگی به خرافات و نحله‌ها و گرایش‌ها انحرافی رهایی می‌بخشد:

حضرت صاحب زمان، محمد هادی مهدی موعود و دین حق را تبیان
(ادیب کرمانی، ۱۳۷۶: ۷۴)

ای شرع تو، مروج دین پیمبری زیب از تو یافته روش شرع گستری
فتوای او که نسخه عیسای ملت است جان‌ها دمیده در تن شرع پیمبری
(طالب آملی، بی‌تا: ۱۰۷)

۸. مجموع صفات نیک است

خواجوی کرمانی در سروده‌ای دلکش و دل‌انگیز به برشمردن اوصاف حضرت می‌پردازد. این شاعر بلند قدر و خلاق که به نخل‌بند شعرا^۱ معروف است از شعرای اهل سنت به شمار می‌آید که اوصاف حضرت را به نیکی و با جزئیات دقیق برشمرده است. او چنین می‌سراید:

به مقدم خلف منتظر، امام همام مسیح خضر قدوم و خلیل کعبه مقام
شعیب مدین تحقیق، حجة القائم عزیز مصر هدی، مهدی سپهر غلام
خطیب خطه افلاک، منهی ملکوت ادیب مکتب اقطاب، محیی اسلام
شه ممالک دین، صاحب الزمان که زمان به دست رایض طوعش سپرده است زمان
به انتظار وصول طلوعش، خورشید زند درفش درفشنده صبح دم بر بام
(خواجوی کرمانی، ۱۳۴۸)

۱. کسی که مضامین بکرو بدیع را به زیبایی ایجاد کرده است.

۹. از نسل پاک نبوت است

سرایندگان فارسی تأکید داشته‌اند که ایشان از اعقاب و فرزندان پاک نبی است:
مهدی که از نهال وجود، آخرین بر است او نیز، میوه‌ای ز نهال محمد است
(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۴۲۴)

۱۰. حکمش نافذ است

فرمان امیر عصر قاطع و نافذ و محکم است:
امرش همچون قضای مبرم، نافذ حکمش همچون قدر به کار، شتابان
(ادیب کرمانی، ۱۳۷۶: ۷۵)

ظهور مهدی قائم که چون سلیمان‌ش مسخرند به رغبت، وحوش و جن و طیور
(ابن حسام، ۱۳۶۶: ۲۳۹)

۱۱. محوکننده بدعت‌هاست

عصر ظهور زمانی است که بدعت‌ها دامن دین را آلوده و آغشته کرده، امام با ظهورش
بدعت‌ها را می‌زداید.
تا نیاید دامن عهدت به کف، ایام را کی تواند پاک شد از گرد بدعت روی دین
(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۵۲۰)

۱۲. دوستداران روسپیدند

مهرورزان حضرتش مورد عنایت و توجهات خاص ایشان قرار می‌گیرند:
چون نباشد بر سر بازار محشر، روسفید هر که چون مه گشت نور مهر او را مشتری
(مجاهدی، بی‌تا: ۳۸۸)

۱۳. جلالش جلیل است

کعبه جلال و عظمت آن حضرت سخت رفیع است:
قصر جلالش چنان رفیع که هرگز وهم و گمان را بدان رسیدن نتوان
(ادیب کرمانی، ۱۳۷۶: ۷۵)

۱۴. راست قامت است

گل‌عداری زگلستان جهان ما را بس زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس
(حافظ شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۶۳)

با توجه به روایت امام صادق علیه السلام این بیت را در وصف حضرت قائم پنداشته‌اند
مهدی علیه السلام راست قامت است ولی نه در حد دراز، چهارشانه است و سینه فراخ و
پیشانی باز دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱: ۲)

۱۵. مشکین چشم است

خال مشکین که بر آن عارض گندمگون است
سر آن دانه که شد رهن آدم با اوست
(حافظ شیرازی، ۱۳۸۷: ۸۱)

ای روی ماه منظر تو نوبهار حسن خال و خط تو مرکز حسن و مدار حسن
(همو: ۵۳۶)

در حدیثی از علی علیه السلام چنین می‌خوانیم:
مهدی علیه السلام دیدگانی مشکلی، موهایی پرپشت، چهره‌ای چون ماه تابان و خالی برگونه
راست دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱: ۵۲)

۱۶. منتقم خون سالار شهیدان است

امام عصر علیه السلام با ظهورش انتقام جدش امام حسین علیه السلام را از خاندان یزید می‌گیرد:
اینک ظهور مهدی آخر زمان رسید زین، رایت یزید نگون سار کرده است
بعد از هزار سال، به شمشیر انتقام حق، لشکر یزید گرفتار کرده است
شکر خدا که شاه به خون خواهی حسین دل‌ها ز بار غصه، سبکبار کرده است
(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۴۲۵)

۱۷. همواره ظفرمند است

قیام حضرت به گونه‌ای است که فتح و ظفر در رکاب حضرت حرکت می‌کنند؛
چنان که حزین لاهیجی در وصف حضرت می‌گوید:

دست قدر امروز در آن قبضه تیغ است پشت ظفر امروز بر آن پشت کمان است
(حزین، ۱۳۷۴: ۶۲۹)

۱۸. خصایص عصر ظهور در شعر شاعران

بروز فتنه‌ها در آخرالزمان در اثر پیدا شدن دجال با ویژگی خاص خودش - از قبیل: یک چشمی (اعور)، کریه المنظر بودن، خرسوار و... - از هشدارهای ادیبان فارسی است؛ به ویژه شعرای اهل سنت بیشتر به این موضوع پرداخته‌اند:
خنجر او، چو حربۀ مهدی ست که به دجال اعور اندازد
(خاقانی، ۱۳۴۴: ۱۳۸)

کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل؟ بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید
(حافظ شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۲۷)

۱۹. رکاب دارن ظهور

در شعر فارسی از شخصیت‌های معتبری نام برده می‌شود که همراه و هم‌دوش امام به امر قیام کمک می‌کنند؛ از جمله حضرت عیسی علیه السلام:
در قبه: مهد مهدی، در قبله: عهد عیسی
در فرضه: روض جنت، در روضه: حوض کوثر
(خاقانی، ۱۳۴۴: ۱۸۷)

به مقدم خلف منتظر، امام همام مسیح خضر قدوم و خلیل کعبه مقام
(خواجوی کرمانی، ۱۳۴۸)

۲۰. اصفهان محل خروج دجال

در این اشعار، بارها به چاه اصفهان به عنوان محلی که دجال از آن جا سر برافراشته و دعوت ضلالت بخش خود را آشکار می‌سازد اشاره شده است:
ذات او مهدی است از مهد فلک زیر آمده ظلم دجالی ز چاه اصفهان انگيخته
(خاقانی، ۱۳۴۴: ۴۰۵)

مشابه روایاتی که در باب خروج دجال از سیستان، خراسان، فلسطین و... دیده شده

است، روایات ضعیفی مبنی بر خروج دجال از اصفهان نقل شده که قابل استناد نیستند. در عین حال، در شعر فارسی شاهد رد شدن نظریه اصفهان نیز هستیم:
چاه صفاهان مدان نشیمن دجال مهبط مهدی شمر فهای صفاهان
(همو: ۳۵۸)

۲۱. بیرق برافراشته

حضرت مهدی علیه السلام در هنگام ظهور، پرچم اسلام را به جهانیان عرضه می‌کند:
یکی، گنج محمود پرداخته یکی، رایت مهدی افراخته
(خواجوی کرمانی، ۱۳۴۸: ۲۳۸)

۲۲. جهان غرق در فساد

زمانی که جهان در شرایط نامطلوب فرو رفت و ساکنانش در غفلت غرق شدند زمینه ظهور است. باز هم شاعران شیعه و سنی در بیان این عقیده اشتراک نظر دارند:
ای سنایی، پند کم ده، کاندرا آخر زمان در زمین مشتی خروگاو سرو بر کرده‌اند
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۵۰)

عالم از جور و از ستم، پرشد الوحا! الوحا! جعلت فداک!
(فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۳۴۸)

خواجوی کرمانی در منظومه گل و نوروز در سروده‌ای به زیبایی جهان آخر الزمان را ترسیم می‌کند:

دگر پرسید: از بحر معانی	چو ابر بهمنی در درفشانی
مراد از فتنه آخر زمان چیست؟	به عهد آخرین، صاحب زمان کیست؟
جوابش داد کز استاد کتاب	حدیثی کرده‌ام اصغا در این باب
که جز عیسی، فلک در آخرین عهد	نبیند هیچ مهدی را، در این مهد!
زمانی، کآن زمان باستان بود	نه آخر آن زمان آخر زمان بود
کنون ما خود در این ره، راندگانیم	چه پیش آییم؟ کز پس ماندگانیم
نرفته، کی زمانی با خود آییم؟	که در آخر زمان، خود فتنه مایی

(خواجوی کرمانی، ۱۳۵۰: ۲۴۷)

عالم از ظلمت، سواد شب گرفت آخرای خورشید تابان، تا به کی؟
(ابن حسام، ۱۳۶۶: ۱۲۵)

۲۳. انتظار پاک و صادقانه

برای نیل به دیدار آن امام همام باید از سر عشق و ارادت، انتظاری یقینی و بی شائبه داشت:

صد هزاران اولیا روبرو زمین از خدا خواهند مهدی را یقین
(عطار، ۱۳۴۵: ۷)

بعد از او، صاحب زمان کز سال های دیرباز دیده ها در انتظار روی آن فرخ لقا است
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۳۸)

زاصل خاکش، ز نسل پاکش، امام مهدی هادی دین
چه روز باشد که بر سرافسربه پادشاهی حشم برآرد
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۵۲)

دوستان، درهم و پریشانند	ز اشتیاق شما، جعلت فداک!
درفراق تو، تیره شد بر من	هم زمین، هم سما، جعلت فداک!
جای آن است کز غم تو ورود	خونم از دیده ها، جعلت فداک!
رحم کن بر غریب خسته دلی	بی کس و بی نوا، جعلت فداک!
چشم بردرگه تو دوخته ام	به امید لقا، جعلت فداک!

(فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۳۴۹)

۲۴. دوران شادی و نشاط است

عصر ظهور حضرت زمان شادمانی و فرح بی سابقه ای است که جهان آن سان به خود ندیده است:

موسی به کوه طور، به نور عیان رسید توفیق وصل یار، عنان بر عنان رسید
(انوار، ۱۳۳۷: ۱۶۳)

دلایل ذکر نام حضرت در کلام شاعران

اگرچه شاعران مسلمان اعم از شیعه و سنی بنا به ارادتی که به حضرت داشته‌اند، تمایل به ذکر نام والا گهرایشان دارند، انگیزه‌هایی نیز باعث شده است بیشتر به یادکرد نام حضرت بپردازند، از جمله:

۱. فساد زمانه شاعران

آلودگی جامعه دوران شاعران سبب شده است با ذکر نام حضرت، زمینه را برای بیان این آلودگی‌ها مناسب بدانند و با آرزوی ظهور آن حضرت امید به از بین رفتن این فتنه‌ها داشته باشند:

دجالیان به فتنه و غوغا برآمدند مهد جلال مهدی دشمن فکن بیا
(ابن حسام، ۱۳۶۶: ۲۳۲)

۲. شکایت از حاکمان وقت و اوضاع زمانه

دیوان طمع به ملک سلیمان همی کنند هان ای شهاب و صاعقه تیغ زن بیا
(همو: ۲۳۲)

۳. آرزوی ظهور

حزین لاهیجی این گونه دردمندی خودش را در شوق زیارت حجت بیان می‌کند:
تا دیده ز دل، نیم قدم ره به میان است از پرده برآ! چشم جهانی نگران است
(حزین لاهیجی، ۱۳۷۴: ۶۲۹)

۴. ذکر القاب و صفات حضرت

امام امم، صاحب عصر، مهدی که نامش علم شد به مشکل‌گشایی
فلک، کرده هر صبح با کاسه مهر ز دربار دردی کشانش، گدایی
(همو: ۶۳۱)

۵. معرفی مهدی علیه السلام به عنوان مصلح جهانی

وجودش چراغی به فانوس دان جهانی از روشن و خود نهان
(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۶۲۲)

تبیین رسالت‌های جهانی امام زمان علیه السلام

انعکاس این رسالت که ابعاد جهانی دارد، در شعر فارسی شامل مواردی همچون مبارزه بنیادی و فراگیر با بیداد و بیدادگران در عرصه جهانی، رویارویی تمام عیار با کفر جهانی و ایادی آن، برقراری نظام قسط و عدل واقعی در گستره جهان، تحقق جهان شمولی دین مقدس اسلام و احیای ارزش‌های دینی، برقراری حکومت جهانی اسلام، حاکمیت فرهنگ اصیل اسلامی، رسوایی داعیه‌داران دروغین مهدویت و تبیین زشتی و پلیدی دجالان است.

شاعرانی که در شعرشان به حضرت پرداخته‌اند

موضوعات مختلف شعر انتظار

در اشعار شاعران انقلاب اسلامی که به انتظار و ظهور امام زمان علیه السلام پرداخته‌اند، موضوعات ذیل به چشم می‌خورد:

۱. امام زمان علیه السلام و شهدا، ۲. ارتباط عاشورا و قیام حضرت مهدی علیه السلام، ۳. تمنای وصال، ۴. شرح هجران و شکوه از ایام فراق، ۵. اظهار عشق و محبت به امام مهدی علیه السلام، ۶. سیمای مختلف حضرت ولی عصر علیه السلام، ۷. نزدیک شدن ظهور امام زمان علیه السلام، ۸. جهان قبل از ظهور، ۹. جهان پس از ظهور، ۱۰. مسجد جمکران و امام عصر علیه السلام، ۱۱. رجعت و ظهور امام مهدی علیه السلام، ۱۳. انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام.

نتیجه‌گیری

با سیری اجمالی بر آن چه نقل شد می‌توان چنین نتیجه گرفت:
- درون مایه شعر غیبت و انتظار در پهنه ادب فارسی از ابتدا تا انتها گسترده شده است.

- با نگاهی عمیق می‌توان دریافت که هر چه به دوران معاصر نزدیک‌تر می‌شویم، شعرا از فضای غیبت بیشتر به فضای انتظار منتقل می‌گردد. در واقع هر چه زمان غیبت امام طولانی‌تر می‌شود، چشم به راهی برای فرج نیز افزون‌تر و تشنگی ملاقات شدیدتر می‌شود.

- نام حضرت مهدی علیه السلام در شعر فارسی به عنوان سمبل و الگویی است که شعرا مداح ستایش ممدوح آن را به کار می‌گیرند تا با نمادی کامل قیاس گردند. در کل این نوع

سنجش از جهت ادبی خلاف مذهب کلامی است.

- سروده‌های مهدوی در ادب فارسی از قرن ششم اوج می‌گیرد و از قرن هشتم به بعد کاملاً فراگیر می‌شود.

- سیرسرایش سروده‌های مهدوی را از قرن ده و یازده می‌توان در نهایت درخشش ملاحظه کرد.

- انقلاب اسلامی با شعارهای ویژه خود به شعر غیبت و انتظار شتاب مضاعف می‌بخشد تا جایی که انقلاب ایران را مقدمه ظهور منجی آخرالزمان قلمداد می‌کنند.

- بخشی عمده از سروده‌های شعرای فارسی‌زبان اهل سنت هستند. گویی اعتقاد به نحله و مذهب خاص باعث غفلت از این اصل تشکیک‌ناپذیر اسلامی نشده است.

- شعرای عارف و صوفی مسلک ایران نیز در دیوان‌های خود به شعر انتظار و غیبت توجهی ویژه نثار کرده‌اند.

- محدودیتی در قالب‌های فارسی برای سرودن شعر مهدوی دیده نمی‌شود، به گونه‌ای که تقریباً در تمام قالب‌ها، این نوع مضامین را می‌توان یافت؛ قالب‌هایی از قبیل رباعی، مثنوی، دوبیتی، قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط، سرود و شعر آزاد از این دست قالب‌ها به شمار می‌روند.

- ابن حسام خوسفی در بین شاعران فارسی در سرودن اشعاری در منقبت امام علیه السلام جایگاهی ویژه دارد.

منابع

- انوار، قاسم، *کلیات اشعار*، تصحیح: سعید نفیسی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۳۷ ش.
- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف، *کلیات اشعار*، به کوشش: احمد ربانی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۴ ش.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، *دیوان اشعار*، به کوشش: خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۸۷ ش.
- حزین لاهیجی، محمدعلی بن ابوطالب، *دیوان اشعار*، تصحیح: ذبیح‌الله صاحبکار، دفتر نشر میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- خاقانی شروانی، بدیل بن علی، *دیوان اشعار*، به اهتمام: محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۴ ش.
- خمینی، سید روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- خواجه‌ی کرمانی، محمود بن علی، *منظومه گل و نوروز*، به اهتمام: کمال عینی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ ش.
- _____، *منظومه همای و همایون*، تصحیح: کمال عینی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۴۸ ش.
- خوسفی، ابن حسام، *دیوان اشعار*، به اهتمام: احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک، مشهد، اداره کل حج و امور خیریه استان خراسان، ۱۳۶۶ ش.
- دوانی، علی، *مهدی موعود* (ترجمه جلد سیزدهم *بحار الانوار*) تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین بن عبدالله، *گلستان سعدی*، براساس نسخه محمدعلی فروغی، تهران، نشر سرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- سعدی، مصلح‌الدین بن عبدالله، *گلستان سعدی*، به کوشش: دکتر خطیب رهبر، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۸ ش.
- سنایی غزنوی، مجدود بن آدم، *دیوان اشعار*، به اهتمام: مدرس رضوی، تهران، انتشارات سنایی، چاپ هفتم، ۱۳۸۸ ش.
- طالب‌آملی، محمد، *کلیات اشعار*، به تصحیح: محمد طاهری شهاب، تهران، انتشارات سنایی، بی‌تا.

- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد بن ابوبکر، *مختارنامه*، مقدمه و تصحیح: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۵ ش.
- _____، *منظومه مظهرالعجایب و مظهرالاسرار*، تصحیح: احمد خوش نویس (عماد)، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۵ ش.
- عنصری بلخی، حسن بن احمد، *دیوان/شعار*، به کوشش: محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۲ ش.
- فریومدی، ابن یمین، *دیوان/شعار*، تصحیح: حسین علی باستانی راد، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۴ ش.
- فیض کاشانی، محمد محسن، *دیوان/شعار*، تصحیح: مصطفی فیضی کاشانی، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
- قطران تبریزی، ابومنصور، *دیوان/شعار*، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، بی تا.
- مجاهدی، محمد علی، *خوشه های طلایی*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مصاحبی نایینی، علی، *تذکره مدینه الادب*، تهران، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، *منظومه خسرو و شیرین*، تصحیح: حسن وحید دستگردی، به کوشش: سعید حمیدیان، تهران، نشر قطره، بی تا.
- واعظ قزوینی، محمد رفیع، *دیوان/شعار*، به کوشش: دکتر سید حسن سادات ناصری، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی، ۱۳۵۹ ش.